

Quranic and Narrative Principles of Religious Democracy in Thoughts of Ayatollah Khamenei

Mahdi Esmaeli Sadrabadi *

*Assistant professor of Quranic and Hadith Sciences at Department of Theology and Islamic Studies,
Faculty of Literature and Humanities of Hazrat Najaf (SA), University of Vali-e-Asr (SA),
Rafsanjan, Iran*

Masoumeh Nawazi

PhD Student in Quranic and Hadith Sciences at Yazd University, Iran

Abstract

Religious democracy is an ideal form of governance in which the rights, status, and dignity of people in the administration of society are respected, while the sanctity of religious values and principles is also maintained. In fact, it is a new method that opposes western democracy and at the same time rejects despotism and dictatorship. The present study aims to examine the Quranic and narrative foundations of Ayatollah Khamenei's thoughts and comments on religious democracy using a descriptive method through a Naqli (revealed) approach. This paper explicates how Ayatollah Khamenei- in accordance with the teachings of the Holy Quran and Hadiths- has promoted and implemented the theory of religious democracy focusing on elements such as justice, support for humanity, rights of nations, freedom, piety and meritocracy, and electoral competition and popular turnout.

Keywords: Principles of religious democracy, Ayatollah Khamenei, Leader, Quran, Hadith, narrations.

* Email: esmaeli.sadr@gmail.com (Corresponding Author)

مبانی قرآنی و روایی مردم‌سالاری دینی در اندیشه آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

| مهدی اسمعیلی صدرآبادی* | استادیار علوم قرآن و حدیث، گروه الهیات و معارف اسلامی،
دانشکده ادبیات و علوم انسانی حضرت نرجس (س)، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان
| معصومه نوازی | دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه یزد

چکیده

مردم‌سالاری دینی نوعی روش حکومتی مطلوب است که در آن ضمن پاسداشت حقوق و شأن و منزلت مردم در اداره جامعه، حرمت ارزش‌ها و اصول دینی هم نگاه داشته می‌شود. در واقع روشی نو و تازه است که در عین مخالفت با دموکراسی غربی، با استبداد و دیکتاتوری نیز در تضاد می‌باشد. در پژوهش حاضر تلاش شده است تا به شیوه توصیفی و رویکرد نقلی، مبانی قرآنی و روایی بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در حوزه روش مردم‌سالاری دینی مورد بررسی قرار گیرد. در همین زمینه با مبنا قرار دادن اصول این روش، تبیین می‌گردد آیت‌الله خامنه‌ای با استناد به قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام، ویژگی‌هایی چون عدالت‌محوری، حمایت از انسانیت و حقوق ملت‌ها، آزادی، پارسامحوری و شایسته‌سالاری، نوع رقابت انتخاباتی و مشارکت واقعی مردم نظریه مردم‌سالاری دینی را تقویت و اجرا کرده‌اند.

واژگان کلیدی: اصول مردم‌سالاری دینی، بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، مستندات قرآنی، مستندات روایی.

مقدمه

مردم‌سالاری دینی در نظام جمهوری اسلامی ایران، روش نو و جدیدی است که توجه بسیاری از ملت‌ها، شخصیت‌ها و روشن‌فکران عالم را به سوی خود جلب کرده است. آیت‌الله خامنه‌ای در مواردی به تبیین این روش پرداخته‌اند و بر این باورند که در روش مردم‌سالاری دینی، حاکمان باید منتخب مردم باشند، این انتخاب باید در چهارچوب احکام اسلام باشد، حاکم باید دارای صفات و ویژگی‌هایی باشد که شرع اسلام معین کرده است. در واقع این روش به معنای ترکیب دین و مردم‌سالاری نیست، بلکه یک حقیقت در جوهره نظام اسلامی می‌باشد؛ چراکه اگر نظامی بخواهد بر مبنای دین عمل کند بدون مردم نمی‌شود، ضمن آنکه تحقق حکومت مردم‌سالاری واقعی هم بدون دین امکان‌پذیر نیست. این مدل الگویی مناسب برای اداره جامعه است، با این وجود مبانی قرآنی و روایی این روش مورد بررسی قرار نگرفته است. به منظور دریافت دلایل نقلی مردم‌سالاری دینی و مسئولیت‌های مقابل دولت و مردم، مراجعه به سرچشمه‌های اصلی اسلام یعنی آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام امری ضروری می‌باشد. در پژوهش حاضر با تکیه بر آیات قرآن کریم و روایات، تلاش می‌شود تا به شیوه توصیفی و رویکرد نقلی مستندات قرآنی - روایی، بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در حوزه مدل مردم‌سالاری دینی بیان شود. بنابراین پرسش اصلی این پژوهش، شناسایی، تبیین و تحلیل مبانی قرآنی - روایی نظریه مردم‌سالاری دینی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای است.

همچنین پاسخ به سؤالات فرعی نیز به شکل زیر در این پژوهش مدنظر می‌باشد:

۱. قرآن‌کاوی نظریه مردم‌سالاری دینی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای
 ۲. روایت‌سنجی نظریه مردم‌سالاری دینی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای
- از این رو این پژوهش با هدف بررسی و تحلیل مبانی قرآنی و روایی مدل مردم‌سالاری دینی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای سامان می‌یابد.

در مورد پیشینه پژوهش نیز باید گفت تاجایی که نگارنده جست‌وجو کرده است، تاکنون هیچ مقاله و پایان‌نامه‌ای درباره بررسی توصیفی شواهد قرآنی و روایی بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در حوزه مردم‌سالاری دینی نگاشته نشده است، البته مقالاتی وجود دارد که مردم‌سالاری دینی را از نگاه ایشان بررسی می‌کنند که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. بررسی جایگاه رهبری و اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای در مردم‌سالاری دینی، کاوه پیشقدم، محمدکاظم؛ قاسمی، زهرا؛ بهزادی، محمدحسین؛ مجله: پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال ۹۱، شماره ۱۰.

۲. نقش و جایگاه مردم در الگوی مردم‌سالاری اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری، اقبال، حدیث، مجله: بصیرت و تربیت اسلامی، سال ۹۶، شماره ۴۰.

۳. تحلیلی بر مردم‌سالاری دینی در ایران، آرمند، محمدعلی؛ علی محمدی، قاسم؛ فتحی، سعید؛ مجله: مطالعات علوم اجتماعی، سال ۹۵، شماره ۴.

با توجه به آنچه که بیان شد در مورد روش مردم‌سالاری دینی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، آثار و مقالاتی چاپ شده است، اما در مورد موضوع موردنظر که متمرکز بر بررسی توصیفی شواهد قرآنی و روایی بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در حوزه مردم‌سالاری دینی است، پژوهشی با این عنوان و با این هدف وجود ندارد.

اصول مردم‌سالاری دینی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

آیت‌الله خامنه‌ای بر این باورند که انقلاب متکی به اصول ثابت و مستحکمی است که نه به اصول سوسیالیسم شرق ارتباطی دارد، نه به اصول سرمایه‌داری غرب، بلکه این انقلاب ترکیبی از عدالت‌خواهی، آزادی‌خواهی، مردم‌سالاری، معنویت و اخلاق است (خامنه‌ای، ۱۳۸۳: ۱۱۶-۱۱۵). ایشان ویژگی‌هایی را برای نظام مردم‌سالاری دینی تعریف می‌کنند که در ذیل به آن‌ها اشاره و سپس مبانی قرآنی و روایی آن‌ها ذکر می‌شود.

۱. عدالت محوری

عدالت مطرح در مردم‌سالاری دینی از لحاظ معنا، وسعت، جوهره و جهت‌گیری تفاوت اساسی با شعارهای عدالت‌خواهی در نظام لیبرالیسم دارد. آیت‌الله خامنه‌ای بر این باورند که در بسیاری از مناطق دنیا ممکن است دموکراسی هم باشد، فعالیت اقتصادی هم باشد، اما چیزی به نام عدالت اجتماعی و رفع تبعیض مطرح نیست. ایشان عدالت اجتماعی را جزء بزرگ‌ترین توصیه‌های اسلام می‌دانند که قانون اساسی ما را تشکیل می‌دهد و قوانین ما را هدایت می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۸۳: ۱۱۷). وی بر این عقیده است که عدالت در اسلام دارای مفهوم خیلی وسیعی می‌باشد که همه نیازهای مادی و معنوی انسان را تأمین می‌کند و هر صاحب حقی را به حق خود می‌رساند. این عدالت در بطن خود هم آزادی به معنای درست هم برابری به معنای درست را هم دارد. ایشان برابری را بر این معنا می‌دانند که همه در حد صلاحیت‌هایی که قانون و حقیقت برای آن‌ها معین می‌کند، بتوانند از مواهب، نعم و الطاف الهی که به جامعه و انسان بخشیده شده است، برخوردار باشند (خامنه‌ای، ۱۳۸۳: ۱۱۹-۱۱۸).

۱-۱. مبانی قرآنی و روایی عدالت محوری

اجرای عدالت در سطح اجتماع، اصلی بنیادین است که خداوند آن را واجب کرده و به‌طور قاطع به آن فرمان می‌دهد؛ هم‌چنان‌که در سوره نحل به آن اشاره می‌شود «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل: ۹۰). به عقیده صاحب تفسیر المیزان با توجه به ظاهر سیاق آیه، مراد از عدالت، عدالت اجتماعی است و آن عبارت از این می‌باشد که با هر یک از افراد جامعه طوری رفتار شود که مستحق آن است. نیکوکار را به‌خاطر احسانش احسان کنی، بدکار را به‌خاطر بدی‌اش عقاب نمایی، حق‌ظالم را از مظلوم بستانی و در اجرای قانون تبعیض‌قائل نشوی (علامه طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۳۱/۱۲). قرآن کریم حتی در برخورد با دشمنان نیز به عدالت رفتار کردن را توصیه نموده است: «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ» (مائده: ۸). یعنی کینه قبلی نسبت به آن‌ها موجب نشود که عدالت نکنید، بلکه عدالت درباره کسانی که با آن‌ها عداوت داریم، از شعبه‌های تقوا است (قرشی‌بنابی، ۱۳۷۵: ۳/۳۵). افزون بر این یکی از اهداف اصلی پیامبران اقامه عدل و قسط بوده که در سوره حدید از آن سخن به‌میان آمده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵). هم‌چنین پیامبر (ص) در قرآن کریم خود را مأمور اجرای عدالت معرفی می‌کند «وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُم» (شوری: ۱۵). بر طبق این آیه ایشان مأمور اجرای عدالت‌اند، چه در قضاوت و داوری‌ها، چه در حقوق اجتماعی و مسائل دیگر زیرا برای ایجاد وحدت، رعایت «اصل عدالت» ضروری است (مکارم‌شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱: ۲۰/۳۸۷). در مجموع آیاتی که در قرآن به مسأله عدالت اشاره دارد فراوان است. در مواردی برخی آیات به پرهیز از ظلم و ستم توجه دارند که آن هم نمونه‌ای از رعایت عدالت است، مانند آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ» (نساء: ۴۰). و آیه «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قَضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَ هُمْ لَا يَظْلَمُونَ» (یونس: ۴۷). روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام نیز به مفهوم عدالت توجه خاصی دارند. حضرت علی(ع) می‌فرماید: «برپایی دولت عدل از واجبات است» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰: ۱/۳۶۰). و در جای دیگر خاطر نشان می‌کنند که «عدل جامعه را پایدار می‌کند» (تمیمی‌آمدی ۱۴۱۰: ۱/۱۰۲). ایشان هم‌چنین در نامه‌ای خطاب به کارگزاران‌اش فرمود: «ما بین مردم و خودتان انصاف بورزید و به برآوردن نیازهای آنان تحمل نمائید؛ زیرا شما خزانه‌داران رعیت، وکلای امت و سفیران پیشوایان هستید (نهج‌البلاغه: نامه ۵۱). منظور از انصاف از سوی خود، این است که آنچه را برای خود

می‌پسندند برای آن‌ها بپسندند. به تعبیر دیگر همان‌گونه که حق خود را از آن‌ها می‌گیرند، حقوق آن‌ها را نیز به آن‌ها بپردازند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۰/۳۳۵). پیامبر (ص) درباره نخستین کسانی که وارد جهنم می‌شوند، می‌فرماید: «اولین کسی که به جهنم می‌رود، فرمانروای قدرتمندی است که به عدالت رفتار نمی‌کند و ثروتمندی که حقوق مالی خود را نمی‌پردازد و نیازمندی که متکبر است» (ابن‌بابویه، ۱۳۹۳: ۲/۲۸). حضرت امیر (ع) در توصیف بهترین فرمانروا می‌فرماید: «بهترین فرمانروا کسی است که ظلم را از بین ببرد و عدل را زنده کند» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۳/۴۳۱). ایشان هم‌چنین در حدیثی راجع به سطح زندگی رهبر جامعه می‌گویند «خداوند عزوجل بر پیشوایان عادل واجب کرده که سطح زندگی خود را با مردم ناتوان برابر کنند تا فقیر را، فقرش برآشفته نکند» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۴۱۱).

آیات و روایاتی که به عدالت‌محوری در جامعه تأکید دارند فراوان‌اند. در واقع یکی از اصول مهم در قرآن و سیره معصومان (ع)، مسأله برقراری عدل در جامعه است. اگر عدالت اجتماعی در جامعه برقرار شود، آثار شگرف فردی و اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. به عبارتی بسیاری از نگرانی‌ها و دغدغه‌های اجتماعی به‌وسیله رعایت عدالت برطرف می‌گردد. برقراری عدالت سبب اصلاح مردم و ریشه‌کن شدن فساد در جامعه می‌شود.

۲. حمایت از انسانیت و حقوق ملت‌ها

به عقیده آیت‌الله خامنه‌ای مکتب اسلام، مکتب حمایت از انسانیت و ارزش‌های انسانی؛ مکتب ترویج رحم و مروت؛ مکتب ترویج اخوت و برادری انسانی است. مکتبی که معیارش در حقوق اجتماعی این است که فردی که در جامعه دست‌اش از زر و زور تهی می‌باشد، بتواند حق خود را بدون هیچ‌گونه مشکل، از شخص قوی که زر و زور هم دارد بگیرد. ایشان این معیار را پیام اسلام و جامعه درست اسلامی می‌دانند (خامنه‌ای، ۱۳۸۳: ۱۲۶-۱۲۵). از دیدگاه ایشان عزت ملی به این است که تک‌تک انسان‌ها در یک جامعه مورد احترام قرار بگیرند. چه هم‌دین یکدیگر باشند و چه نباشند (بیانات رهبر در سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۴/۳/۸۸). آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار خود با دست‌اندرکاران جامعه تأکید خاصی بر تکریم افراد و اقشار مختلف کشور داشته به‌گونه‌ای که در یکی از سخنرانی‌های خود به فرمان حضرت علی (ع) خطاب به مالک اشتر اشاره می‌کنند که حضرت می‌فرمایند: «إِنَّمَا أَخُ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِنَّمَا نَظِيرُ لَكَ فِي الْخَلْقِ» (نهج‌البلاغه: نامه ۵۳) کسانی که تو با آن‌ها مواجه می‌شوی یا از لحاظ عقیده با تو یکسان‌اند یا در انسان بودن با تو شریک هستند.

حتی کسانی که به لحاظ عقیده با تو همراه نیستند، ولی انسان‌اند، باید با انسان برخورد
تکریم‌آمیز داشت (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار دست‌اندرکاران ستاد اقامه نماز،
۸۵/۶/۲۷).

۱-۲. مبانی قرآنی و روایی حمایت از انسانیت و حقوق ملت‌ها

قرآن کریم و سیره معصومان (ع) نخستین نظام‌های حقوقی را در جامعه وضع کرده‌اند.
در بسیاری از آیات از مؤمنان خواسته شده تا جز براساس قوانین و حقوق تعیین‌شده از سوی
وحی حکم نکنند. خداوند در سوره مائده بر این امر تصریح کرده: «وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا
أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (مائده: ۴۵). یعنی هرکس برخلاف حکم خداوند
قضاوت نماید، از کافران است (امین، ۴ / ۳۱۷). افزون بر این اسلام با چشمی یکسان به
انسان‌ها نظر می‌کند، به گونه‌ای که هیچ‌گونه تفاوتی بین هیچ قوم و نژاد و بین هیچ زن و مردی
قائل نیست و کرامت خداوندی را به شکل یکسان به انسان‌ها بخشیده است. قرآن کریم در
این باره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ
لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات: ۱۳). بنابراین نظر
صاحب تفسیر مجمع‌البیان این آیه درباره ثابت بن قیس شماس نازل شده که در مجلس به
مردی جا نداد. حضرت رسول (ص) به ثابت فرمود به صورت این مردم نگاه کن. او نظری
به چهره‌های مردم افکند. حضرت از او پرسید چه دیدی ای ثابت؟ گفت چهره‌هایی
سفیدرنگ، سیاه‌رنگ و سرخ‌رنگ را دیدم. حضرت ادامه دادند این رنگ‌های مختلف را جز
به وسیله تقوا و دین نمی‌توانی بر یکدیگر ترجیح دهی (طبرسی، بی تا: ۲۳ / ۲۱۴). در آیه‌ای
دیگر خداوند خطاب به مؤمنان در مواجهه با کفار بی‌آزار می‌فرماید: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ
الَّذِينَ لَمْ يَفْتَرُوا فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ»
(ممتحنه: ۸). خداوند شما را از نیکی و عدل نسبت به کسانی که با شما به خاطر دین جنگ
نکرده و شما را از خانه‌هایتان بیرون ننموده‌اند، منع نمی‌کند. بنابراین نظر صاحب تفسیر نور
طبق آیات قرآن کریم کافران دو دسته‌اند، گروهی درصدد دشمنی و توطئه علیه مسلمان‌اند
که در آیات قبل سوره ممتحنه خداوند می‌فرماید با آن‌ها اظهار دوستی نکنید و از آنان براثت
جوئید. اما مطابق با این آیه، دسته دیگر کفار علیه مسلمانان دشمنی و توطئه‌ای نکردند که
خداوند می‌فرماید با آنان به نیکی رفتار کنید (قرآنی، ۵۸۸ / ۹). بنابراین حمایت از انسانیت
اصل مهمی است که هم در آیات قرآن کریم به آن اشاره شده و هم آیت‌الله خامنه‌ای آن را
به عنوان یکی از اصول مردم‌سالاری دینی دانسته است. از این رو برخورد نیکو با کفاری که

آزادی به کسی نمی‌رسانند در قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته است. یا در آیات دیگر خداوند به صحبت نیکو با هم‌نوعان توجه داشته، به طوری که در آیه ۸۳ بقره می‌فرماید: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره: ۸۳). با مردم با زبان خوش و نیکویی صحبت کنید. بسیاری از احادیث پیامبر (ص) نیز بر اصل کرامت انسانی و برابری انسان‌ها تأکید داشته است. برای مثال رسول خدا (ص) خطاب به مردم می‌فرماید: «همه شما فرزندان آدم (ع) هستید، و آدم از خاک خلق شده است، پس هیچ‌کس اجازه ندارد به پدران خود مباحثات کند» (نوری، ۱۳۶۹: ۱/۳۶۷). امام علی (ع) نیز در سخن حکیمانه خود می‌فرماید: «آنچه بر خود می‌پسندی برای مردم نیز بپسند و آنچه برای خود نمی‌پسندی، برای آن‌ها نیز نپسند» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۵: ۳/۱۷۹).

پیام این آیات و روایات آن است که انسان‌ها همه نسبت به هم‌نوعان خویش برادر انسانی محسوب می‌شوند. بنابراین هرچند میان‌شان عوامل اختلاف از حیث دین، زبان، خون، رنگ پوست و سرزمین وجود دارد، ولی نباید هیچ‌یک از این‌گونه عوامل مایه تبعیض حقوق گردد.

۳. آزادی

مقوله آزادی در روش مردم‌سالاری دینی یک سرفصل مهم است. آیت‌الله خامنه‌ای بر این باورند که در اسلام آزادی ریشه الهی دارد، بنابراین منطق اسلام؛ حرکت علیه آزادی، حرکت علیه یک پدیده الهی می‌باشد، یعنی در طرف مقابل یک تکلیف دینی به وجود می‌آورد. این درحالی است که مکتب غربی لیبرالیسم ریشه آزادی را خدادادگی نمی‌داند. آزادی انسان در نظر آن‌ها منهای حقیقتی به نام دین و خداست (خامنه‌ای، ۱۳۸۳: ۱۳۲).

به عقیده ایشان آزادی در اسلام از جهاتی با نظام لیبرالیسم غرب تفاوت دارد. در اسلام ارزش‌های مسلم، ثابت و حقیقتی وجود دارد که حرکت در سمت آن حقیقت ارزش‌آفرین است، اما در غرب چون حقیقت ثابتی وجود ندارد، به طور منطقی آزادی نامحدود می‌باشد. تفاوت دیگر این است که در غرب حد آزادی را منافع مادی تشکیل می‌دهد، وقتی که منافع مادی به خطر بیفتد، آزادی را محدود می‌کنند. اما در اسلام مرزهای اخلاقی وجود دارد، یعنی آزادی علاوه بر آن حدود مادی مرزهای معنوی هم دارد. نکته دیگر این است که اسلام آزادی را همراه با تکلیف برای انسان دانسته که انسان بتواند با این آزادی، تکلیف را صحیح انجام بدهد و به تکامل برسد. این در صورتی است که آزادی در تفکر لیبرالیسم غربی، با تکلیف منافات دارد. آن‌ها در نفی تکلیف تا جایی پیش رفته‌اند که نه تنها تفکرات دینی را حتی تفکرات غیردینی و کل ایدئولوژی‌ها را که در آن‌ها تکلیف هست نفی می‌کنند، در

اسلام آزادی آن روی سگه تکلیف می‌باشد، اصلاً انسان‌ها آزادند، چون مکلف‌اند. اگر مکلف نبودند، آزادی لزومی نداشت (خامنه‌ای، ۱۳۸۳: ۱۴۲-۱۳۴). آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات خود به آزادی ملت اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: ملت آزاد آن ملتی است که آزادانه اراده نماید، آزادانه عمل کند و منافع حقیقی و ملی خودش را تشخیص بدهد، و با آن استقلال اراده و استقلال عمل، منافع را برای خود و کشورش تأمین نماید. اگر ملتی توانست این تشخیص درست را بدهد و تصمیم بگیرد و تحت تأثیر تخریب محاسباتی دشمن قرار نگیرد، به نتایج خوبی خواهد رسید (خامنه‌ای بیانات، ۱۳۹۸/۸/۸).

۳-۱. میان‌قرآنی و روایی آزادی

امام علی (ع) در نهج البلاغه، هزار سال پیش از طرح مسأله آزادی در کشورهای غربی، می‌فرماید: «لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا» (نهج البلاغه: نامه ۳۱). ایشان خطاب به امام حسن (ع) می‌فرمایند: پسر من! بنده دیگران مباش؛ درحالی که خداوند تو را آزاد آفریده است. این جمله طلایی در اعلامیه حقوق بشر که فرانسوی‌ها منتشر کردند آمده است که «خداوند انسان‌ها را آزاد آفرید»، درحالی که امیرالمؤمنین علیه السلام هزار و دویست سال قبل، این مسأله را مطرح کرده است. هم‌چنین خداوند در آیه ۱۵۷ اعراف، مردمی که از پیامبر (ص) پیروی می‌نمایند، این‌گونه وصف می‌کند که «وَيَصْعَقُ عَنْهُمْ إِصْرُهُمْ...» (اعراف: ۱۵۷). از آنان بار گران (تکالیف سخت) و بندهایی را که بر آنان بوده برمی‌دارد (و آزادشان می‌کند). علامه طباطبایی در تفسیر آیه مذکور می‌فرماید خداوند چیزهایی را که مانع ایشان از خیرات و رسیدن به صواب می‌شود، برمی‌دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۶۱/۸). یا در حدیثی از امام علی (ع) آمده است: «إِنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ أَحْرَارٌ إِلَّا مَنْ أَقْرَبَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْعُبُودِيَّةِ» (کلینی، ۱۹۵/۶). مردم همه آزادند، مگر کسی که به بندگی خود اعتراف کند. در دیگر آیات به آزادی انتخاب انسان توجه شده که در انتخاب راه پس از هدایت، آزاد است. در آیه سوم سوره انسان پس از آن‌که انسان را شنوا و بینا معرفی می‌نماید، می‌فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان: ۳). ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس. براساس این آیه شریفه، انسان در انتخاب راه آزاد است و می‌توان آن را بپذیرد و یا رد کند. یا در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «إِنَّ اللَّهَ فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا، وَ لَمْ يُفَوِّضْ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلًا» (علامه مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۲/۶۴). خداوند اختیار تمام کارهای مؤمن را به خودش واگذار کرده، اما اختیار خوار کردن خویش را به او نداده است. از جنبه دیگر احاطه بر نفس و کنترل غریزه‌ها هم در احادیث نوعی آزادی بیان

شده است. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «مَنْ تَرَكَ الشَّهَوَاتِ كَانَ حُرًّا» (علامه مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۴/۲۲۷). کسی که از شهوات خود را بازداشت آزاد است. با توجه به آیات و روایات ذکر شده می‌توان گفت انسان به صورت فطری موجودی آزاد است، هم در انتخاب مسیر و راه آزاد می‌باشد. هم خداوند او را آزاد آفریده که می‌تواند آزادانه انتخاب کند و آزادانه عمل نماید و این آزادی فراتر از آزادی مادی است.

۴. پارسامحوری و شایسته‌سالاری به‌ویژه در سطح آیت‌الله خامنه‌ای

بنابر نظر آیت‌الله خامنه‌ای در اسلام و حکومت اسلامی شرایطی چون تقوا، عدالت، پارسایی و شایستگی تعیین‌کننده مسئولیت‌ها است. در صورتی که در دموکراسی‌های غربی، مسئولیت‌ها به دست حاکمیت زور و سرمایه می‌باشد. سرمایه‌داران و زورمداران برای حفظ سلطه و جذب منافع بیش‌تر، کسانی را سوار بر قدرت می‌کنند که در جهت منافع آن‌ها هر چه بیش‌تر قدم بردارد، شایسته‌سالاری و پارسایی در چنین روندی جایی ندارد (خامنه‌ای، ۱۳۸۳: ۱۴۲).

ایشان معتقدند ولایت اسلامی به شکل کامل، در یک جامعه اسلامی عملی است. اگر ملت‌ها قطع نظر از مذاهب و ادیانی که بر آن‌ها حاکم است بخواهند راه سعادت را پیدا کنند، باید به ولایت اسلامی برگردند. چون ولایت براساس ارزش‌های اسلامی یعنی عدالت اسلامی، علم اسلامی و دین اسلامی است. به عقیده ایشان اگر ملت‌ها می‌خواهند کسی را به عنوان رهبر و حاکم بر جامعه انتخاب نمایند، سراغ آنکه سرمایه‌داران معرفی می‌کنند، نروند؛ سراغ پارساترین، پاک‌ترین، بی‌اعتناترین انسان‌ها بروند. آن کسی که قدرت را سرمایه شخصی خود به حساب نمی‌آورد و از آن برای سود شخصی خویش استفاده نمی‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۸۳: ۱۴۳). آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با مردم به این مسأله اشاره کردند که جمهوری اسلامی نظامی است که در آن، دربار حکومت طاغوت نمی‌باشد؛ دخالت بیگانه نیست؛ دخالت خان و خان‌زدگی نیست؛ حکومت مردم و شایستگان است. در جمهوری اسلامی، رسیدن به مقامات مؤثر در سلسله‌مراتب حکومتی، تابع صلاحیت‌ها می‌باشد. هرکه صلاحیت دارد، باید در میدان‌های تلاش و مسئولیت جلو برود. فاصله انداختن بین فقیر و غنی، بین اشراف و غیراشراف و امتیاز دادن به یک قشر خاص با نظام جمهوری اسلامی سازگار نیست (خامنه‌ای، بیانات، ۸۴/۲/۱۷). ایشان آفت مسئولیت در نظامی که متکی به آراء و ایمان مردم است را این می‌داند که مسئولان به فکر رفاه شخصی بیفتند، به فکر جمع‌آوری برای خودشان بیفتند و در هوس زندگی اشرافی‌گری به این در و آن در بزنند. آن‌ها باید خود را از این آفت دور کنند.

مسئولان باید از میان مردم انتخاب شوند و از خود مردم باشند، وابستگی‌ها ملاک قبول مسئولیت‌ها نباشد (خامنه‌ای، بیانات، ۹۰/۳/۱۴).

۴-۱. مبانی قرآنی و روایی پارسامحوری و شایسته‌سالاری

قرآن کریم، وظایفی را برعهده حاکمان، مسئولان و کارگزاران حکومت می‌گذارد که لازم است آنان در ارتباط و شیوه رفتاری خود با مردم آن‌ها را رعایت کنند تا موجب سعادت و پیشرفت جامعه شود؛ قرآن کریم از عدالت‌پیشگی حاکمان جامعه در سوره نساء سخن رانده: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (نساء: ۵۸). بنا به گفته برخی مفسران در این آیه به امر تأکید شده که زمام‌داران باید به فرمان خداوند امانت‌ها را به صاحبان‌شان واگذار کرده و به عدالت حکومت کنند؛ و در آیه بعد به مردم امر کرده است که سخن صاحبان امر را شنیده و از آنان اطاعت نمایند (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۱/ ۲۶۵). افزون بر این وظیفه دولت مردان اسلامی، گسترش عمل نیک در جامعه و اقامه کردن روح نماز و عبادت و برابری و عدالت اقتصادی و مبارزه با شکاف‌های اقتصادی است. هم‌چنان‌که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا هُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ» (انبیاء: ۷۳). در واقع رهبران دین باید مردم را بر طبق فرمان خداوند هدایت کنند و آن‌ها را به کارهای نیک تشویق کنند، نه به کینه‌توزی‌ها و فریادهای فرقه‌گرایی (مغنیه، ۱۳۷۸: ۵/ ۴۷۲). سنت الهی نیز بر این است که به هیچ‌کس جز براساس شایستگی‌هایش مسئولیت نمی‌دهد. خداوند به افرادی که شایستگی و لیاقت خود را به اثبات رسانده‌اند، مسئولیت عنایت می‌کند. حضرت ابراهیم (ع) با عبور از امتحانات سخت به مقام امامت رسید «وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» (بقره: ۱۲۴). حضرت علی (ع) به توانایی و آگاهی حاکم و کارگزار توجه خاصی دارد. ایشان در این باره می‌فرمایند: «مردم! سزاوارترین کس به خلافت کسی است که بدان تواناتر و در آن به فرمان خدا داناتر باشد» (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۷۳). در حقیقت امام علیه‌السلام به دو رکن اساسی که یکی جنبه علمی دارد و دیگر جنبه عملی اشاره کرده است. از نظر علمی باید از همه آگاه‌تر باشد و از نظر عملی در امر مدیریت از همه قوی‌تر بسیارند کسانی که عالم‌اند، ولی مدیر نیستند و یا مدیرند و عالم نیستند و تا این دو دست به دست هم ندهد، اداره صحیح جامعه امکان‌پذیر نیست (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۶: ۶/ ۵۰۴). و در جای دیگر می‌فرمایند: «کار مردم جز به شایستگی زمام‌داران سامان نمی‌یابد» (نهج‌البلاغه: خطبه ۲۱۶). امام علی (ع) در نامه‌ای خطاب به مالک اشتر در گزینش کارگزاران این چنین می‌نویسد: «ثُمَّ انظُرْ فِي أُمُورِ

عُمَالِكَ فَاسْتَعْمِلَهُمْ اخْتِيَارًا، وَلَا تُوَلِّهِمْ مَحَابَبَةً وَأَثَرَةً» (نهج البلاغه: نامه ۵۳). در کار کارگزاران بنگر و پس از آزمایش به کارشان برگمار، نه به سبب دوستی با آنها. و بی‌مشورت دیگران به کارشان مگمار. آیت‌الله خامنه‌ای با استناد به این نامه نهج البلاغه در دیدار اعضای هیأت دولت می‌فرماید عبارت «فَاسْتَعْمِلَهُمْ اخْتِيَارًا» که در نامه امام علی (ع) به کار رفته به این معناست که دقت کن بین چه کسی شایسته‌تر است. شایسته‌سالاری به معنای واقعی کلمه باید مورد توجه باشد (بیانات در دیدار اعضای هیأت، ۱۷/۷/۸۴). حضرت امیر (ع) درباره کسی که شایسته زمام‌داری و ولایت است می‌فرماید: «مَنْ أَحْسَنَ الْكِفَايَةَ اسْتَحَقَّ الْوِلَايَةَ» (تمیمی آمدی، ۱/۴۵۱). هر که امور را به نیکویی اداره کند، سزاوار ولایت است. در تمام بیانات حضرت علی (ع) خطاب به کارگزاران‌اش، گزینش براساس شایستگی تأکید شده است. در روایتی پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: «إِنَّ الْإِمَامَةَ لَا تَصْلُحُ إِلَّا لِرَجُلٍ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: وَرَعٌ يَحْجِزُهُ عَنِ الْمَحَارِمِ، وَجَلْمٌ يَمْلِكُ بِهِ غَضَبَهُ، وَحُسْنُ الْخِلَافَةِ عَلَى مَنْ وُلِّيَ حَتَّى يَكُونَ لَهُ كَالْوَالِدِ الرَّحِيمِ» (کلینی، ۱: ۴۰۷). امامت شایسته نیست، مگر برای کسی که دارای سه خصلت باشد: پارسایی که او را از کارهای حرام باز دارد، بردباری که با آن خشم خود را مهار کند و خوش‌رفتاری با کسانی که بر آنان حکومت می‌نماید، چندان که برایشان هم چون پدری مهربان باشد.

به‌طورکلی آیات قرآن‌کریم و روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام بر پارسایی و شایستگی کارگزاران حکومت دلالت دارد. برخورداری از خصال و فضایل برجسته فردی به‌تنهایی نمی‌تواند محورگزینش باشد، باید در کنار آن توان کاری نیز باشد. به‌دیگر عبارت مجموعه «تعهد» و «تخصص» معیار گزینش است.

۵. نوع رقابت انتخاباتی و مشارکت واقعی مردم

آیت‌الله خامنه‌ای بر این عقیده هستند که در جمهوری اسلامی مشارکت مردم در امر انتخابات واقعی است. آن‌ها براساس تکلیف و احساس مسئولیت در صحنه‌های انتخابات حاضر می‌شوند. شرط پیروزی هم این است که انتخاب اصلح مدنظر باشد، نه رقابت انتخاباتی، ازاین‌رو مردم باید با چشم باز و با بصیرت وارد بشوند و آدم‌هایی را که اطمینان پیدا می‌کنند، انتخاب نمایند (خامنه‌ای، ۱۳۸۳: ۱۴۵-۱۴۴).

ایشان یادآور می‌شوند که نظام جمهوری اسلامی مبنی بر انتخابات و رأی مردم است و هر چهار سال یک‌بار انتخابات مجلس و ریاست جمهوری برگزار می‌شود. وی بر آن است که در ایران مردم‌سالاری واقعی وجود دارد. به‌طور متوسط هر سال یک انتخابات در این کشور واقع شده است و مردم در همه امور کشور دخالت کرده‌اند. برای مثال انتخابات آزاد برای تعیین

رئیس جمهور کشور، در دنیا کم‌نظیر است. آحاد مردم پای صندوق‌های رأی می‌روند بدون اینکه تبلیغات حزبی در ذهن آن‌ها اثر داشته باشد. یک نفر را که شناختند، فهمیدند و تجربه کردند برای مدتی به ریاست جمهوری انتخاب می‌کنند. در بعضی از کشورها که انتخابات ریاست جمهوری به وسیله احزاب وجود دارد، مردم حتی آن کاندیدای ریاست جمهوری را نمی‌شناسند. حزب، کاندیدایی را معرفی کرده مردم هم چون به این حزب عقیده دارند، این کاندیدا را به‌عنوان رئیس جمهور انتخاب می‌نمایند، پس آزادانه‌ترین انتخابات، مستقل‌ترین مجلس، مردمی‌ترین حکومت، در جمهوری اسلامی است. چون در نظام اسلامی، مردم به معنای حقیقی کلمه، دارای ارزش و قدرت انتخاب و تصمیم‌گیری هستند و حقیقتاً مالک و مسلط بر سرنوشت و امور خودشان هستند (خامنه‌ای، ۱۳۸۳: ۱۴۸-۱۵۱).

۵-۱. مبانی قرآنی و روایی مشارکت مردم در انتخابات

قرآن کریم در سوره مبارکه رعد تأکید می‌کند که سرنوشت هر قومی به‌دست خودشان است «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱). با توجه به این آیه می‌توان گفت یکی از وظایف مردم برای داشتن سرنوشت و آینده بهتر، شرکت در انتخابات و انتخاب فرد اصلح است. در واقع شرکت در انتخابات به نوعی تأثیرگذاری در سرنوشت جامعه اسلامی می‌باشد. افزون بر این خداوند متعال از مردم می‌خواهد که در نیکوکاری و پرهیزگاری یکدیگر را یاری کنید، هم‌چنان که در سوره مائده به آن اشاره شده «وَتَعَاوَنُوا عَلَىٰ الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَىٰ الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده: ۲). در این آیه مشارکت مردم در کار خیر مورد تأکید قرار گرفته، چه بسا شرکت در انتخابات یکی از مصادیق این همکاری است. بنابراین مسلمانان در انجام کارهای نیک باید پشتوانه یکدیگر باشند تا روح وحدت در کالبد آن‌ها دمیده شود و از تفرقه و تشتت ایمن باشند (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۴/۳۳۰). یا در سوره مبارکه آل‌عمران خداوند به پیامبر (ص) دستور مشورت با مردم را می‌دهد «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» (آل‌عمران: ۱۵۹). به عقیده صاحب تفسیر نور، نظام حکومتی اسلام بر مبنای محبت و ارتباط تنگاتنگ با مردم بنا شده است. از این رو پیامبر وظیفه داشت با مردم حتی آنان که در گذشته لغزش داشته‌اند نیز مشورت کند (قرآنی، ۱۳۸۸: ۱/۶۳۶). حال آنکه مشورت دادن مردم به نمایندگان از طریق رأی دادن و انتخاب اصلح صورت می‌گیرد. در روایات اهل بیت علیهم السلام هم بر ضرورت انتخاب از ناحیه مردم تأکید شده است. امام علی (ع) خطاب به مردم می‌فرماید: «ای مردم! این امر (حکومت) امر شما است. هیچ‌کس به‌جز کسی که شما او را امیر خود گردانید، حق امارت بر شما را ندارد. ما دیروز هنگامی از هم جدا شدیم که من قبول ولایت را ناخوشایند داشتم، ولی شما

جز به حکومت من رضایت ندادید» (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۳/۱۹۳). مطابق این نقل امیرالمؤمنین (ع) فقط کسی را لایق ولایت بر مردم می‌دانند که از جانب مردم انتخاب شده باشد. رسول خدا (ص) نیز در حدیثی «نهی فرمود از اینکه مردی امامت گروهی را بدون اذن آنان برعهده گیرد» (علامه مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۶/۳۳۵). این حدیث اگرچه در مورد امامت جماعت مطرح شده است، ولی به طریق اولی می‌توان آن را به رهبری سیاسی و اجتماعی هم نسبت داد.

در تطبیق بیانات آیت‌الله‌خامنه‌ای درباره مشارکت مردم در انتخابات و مبانی قرآنی و روایی آن این نتیجه حاصل می‌شود که آزاد بودن مردم در انتخاب مسئول موردنظر، اصلی‌ترین رکن در انتخابات است.

نتیجه‌گیری

با بررسی‌هایی که در بیانات آیت‌الله‌خامنه‌ای، آیات قرآن‌کریم، مجموعه‌های روایی چون نهج‌البلاغه و سایر منابع صورت گرفت نتایج زیر حاصل شد:

۱. اصولی که آیت‌الله‌خامنه‌ای در روش مردم‌سالاری دینی در نظر داشته و به آن‌ها توجه ویژه کرده، دارای مستندات قرآنی و روایی است. به‌دیگر سخن آیات قرآن‌کریم و روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام پشتوانه نقلی این روش می‌باشد.
۲. قرآن‌کاوی اصول مردم‌سالاری دینی در اندیشه آیت‌الله‌خامنه‌ای حاکی از آن است که آیات متعدد قرآن‌کریم به پیامبر (ص) فرمان عدالت، حمایت از انسانیت، آزادی و شایسته‌گزینی را در جامعه داده است.
۳. روایت‌سنجی اصول مردم‌سالاری دینی در منظومه فکری آیت‌الله‌خامنه‌ای بیانگر آن است که سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام در اداره جامعه مبتنی بر عدالت، شایسته‌گزینی، آزادی، مشارکت مردم و حمایت از انسانیت بوده است. اهل‌بیت علیهم‌السلام و به‌طور خاص امام علی (ع) خطاب به کارگزاران خود نامه‌ها و خطواتی داشتند و از آن‌ها خواستار اعمال موارد مذکور بودند.

منابع فارسی

۱. قرآن کریم با ترجمه محمد مهدی فولادوند و عبدالکریم آیتی
۲. نهج البلاغه
۳. ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۸۵)، الكامل فی التاریخ، چاپ اول، بیروت: دار الصاد.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۳)، عیون اخبار الرضا، چاپ سوم، قم: کتاب جمکران.
۵. اشکوری، محمد بن علی (۱۳۷۳)، تفسیر شریف لاهیجی، چاپ اول، تهران: نشر راد.
۶. امین، نصرت بیگم (بی تا)، تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، بی جا، بی جا.
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و دررالکلم، چاپ دوم، قم: دار الکتب الاسلامی.
۸. حسینی همدانی، محمد (۱۴۰۴ق)، انوار درخشان در تفسیر قرآن؛ محقق: محمدباقر بهبودی، چاپ اول، تهران: لطفی.
۹. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۶)، مردم‌سالاری دینی و دموکراسی‌های غربی در آینه نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران: قدر ولایت.
۱۰. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷)، تفسیر قرآن مهر، چاپ اول، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
۱۱. شاه عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳)، تفسیر اثنی عشری، چاپ اول، تهران: میقات.
۱۲. طباطبایی، سیدمحمد حسین (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن (بی تا)، ترجمه تفسیر مجمع البیان، مترجم: گروه مترجمین، چاپ اول، تهران: فراهانی.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق)، تفسیر جوامع الجامع، مصحح: ابوالقاسم گرجی، چاپ اول، قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت.
۱۵. قرآتی، محسن (۱۳۸۸)، تفسیر نور، چاپ اول، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۶. قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۵)، تفسیر احسن الحدیث، چاپ دوم، تهران: بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، محقق: علی اکبر غفاری، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوارالجامعة لدرر اخبارالائمة الاطهار، بی جا، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۹. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۵)، میزان الحکمة، چاپ پانزدهم، قم: دارالحدیث.
۲۰. مغنیه، محمد جواد (۱۳۷۸)، ترجمه تفسیر کاشف، مترجم: موسی دانش، چاپ اول، قم: بوستان کتاب.
۲۱. مکارم شیرازی و همکاران، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۲. مکارم شیرازی و همکاران، ناصر (۱۳۸۶)، تفسیر نمونه، پیام امام امیرالمومنین علیه السلام، چاپ اول، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۳. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۳۹۵)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول، قم: آل بیت.

بیانات

۱. بیانات رهبر در دیدار دست‌اندرکاران ستاد اقامه نماز، ۸۵/۶/۲۷.
۲. بیانات رهبر در مراسم دانش‌آموختگی دانشگاه‌های افسری ارتش، ۹۸/۸/۸.
۳. بیانات رهبر در دیدار مردم شهرستان جیرفت، ۸۴/۲/۲۷.
۴. بیانات رهبر در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی، ۹۰/۳/۱۴.
۵. سایت khamenei.ir
۶. بیانات رهبر در دیدار اعضای هیأت دولت، ۸۴/۷/۱۷.